



۲۰۱۳/۰۹/۰۴



جليل غني

## آزادی بیان و عقیده و محدودیت های آن

آزادی بیان و عقیده یکی از موضوعات عمده ولی پیچیده در هر نظام مخصوصاً نظام های دیموکراتیک و مردم سالاریست که جزئی از حقوق اساسی و بشری افراد دانسته می شود. همچنان آزادی بیان رکن اساسی یک نظام دیموکراتیک است و هدف هر دیموکراسی تضمین آزادی های فردی به منظور تأمین عدالت اجتماعی است. هر نظام و مرام دیموکراتیکی را که فاقد چنین هدفی باشد نمی توان یک نظام دیموکراتیک خواند.

در جوامع پیشرفته این حق بحیث حق فطری و اساسی اتباع در قوانین اساسی و قوانین متمم این کشورها تضمین گردیده است. سوابق اعتراف حق آزادی بیان و عقیده و تضمین این حقوق به قرن هفده و هجده برمی گردد و مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه حقوق مدنی انگلستان در سال ۱۶۸۹ در سند آزادی بیان در پارلمان (۱) و سند حقوق مدنی اتباع و باشندگان در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ مسجل شد و بطور اخص آزادی بیان را حق انفکاک نا پذیرانسان تأیید کرد. این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده را در ماده یازدهم چنین قید می کند:

**" مفاهمه و مکالمه آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از با ارزشترین حقوق انسان است. هر تبعه می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤول سوء استفاده از این آزادی طوریکه در قانون تعریف میگردد، باشد."** (۲)

آزادی بیان که با آزادی عقیده مترادف تذکر داده می شود در ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، و همچنان در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۳) نیز تضمین گردیده چنین حکم می کند:

**" هرکس حق ابراز آزادانه نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا بر آن هرکس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی، تحریری و یا چاپی، بشکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه دیگری می باشد. تعمیم این حقوق مستلزم وجایب و مسؤولیت های خاص است و بنا بر آن در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه عامه خواهد بود"** (۴)

یکی از محدودیت هایی که بر آزادی بیان و عقیده وضع گردیده و کشورها مطابق به قوانین و مقررات خود شان متکی بر ارزش های عقیدتی و فرهنگی حدود آنرا تعیین می کنند، آزادی عقیده است مخصوصاً در کشور های اسلامی که طبق احکام مذهبی قوانین اهانت به اسلام را وضع و آنرا تطبیق می کنند. در ادامه همین بحث خواهیم دید که حتی در کشور های غربی و نظامهای غیر مذهبی نیز محدودیت های بر آزادی عقیده وضع شده است و اجبار برای تغییر عقیده ممنوع است. و در هر دو تعریف بالا می بینیم که افراد با آنکه از این حق بر خوردار هستند مسؤول سوء استفاده از این حق هم می باشند و باید قوانین و مقرراتی را که درین زمینه ها وضع می گردد رعایت نمایند.

- ۱- دیوید سمیت، تاریخ آزادی بیان و روزنامه گاردین برتانیه ۲۰۰۶
- ۲- آرتور دلبیو دایموند، کتابخانه حقوق فاکولته حقوق یونیورسیتی کولمبیا مارچ ۲۰۰۶
- ۳- مصوبه (۲۰۰۰-ای) مجمع عمومی ملل متحد در دسمبر ۱۹۶۶ و انفاذ آن در ۲۳ مارچ ۱۹۷۶
- ۴- ملل متحد سپتمبر ۱۹۴۸

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آزادی عقیده در عموم میثاق ها و تعریف های بین المللی مترادف با آزادی بیان آمده است ولی دیده می شود که آزادی بیان شاید در بعضی از نظام های حقوقی متکی بر مذهب و در بعضی نظام های حقوقی لائیک یا غیر مذهبی که اهانت به مذهب تشخیص گردد، محدود ساخته شود مثل مقررۀ عداوت و کینه توزی نژادی و مذهبی که در سال ۲۰۰۶ در برتانیۀ تصویب شد.

امروز آزادی بیان و عقیده در قوانین بین المللی و منطقوی برسمیت شناخته شده است و در مادۀ نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مادۀ دهم میثاق اروپائی در مورد حقوق بشر، مادۀ سیزدهم میثاق امریکا در مورد حقوق بشر و مادۀ نهم منشور افریقا در مورد حقوق مردم و انسان ها تثبیت گردیده است.

در حالیکه آزادی بیان یک عامل کلیدی در انتشار اطلاعات در زمان معاصر است و میتواند یک عامل بالقوۀ سیاسی هم باشد، نظام های استبدادی سیاسی و مذهبی هر دو سعی دارند از تمیل این حق توسط اتباع شان بهر نحو ممکنه جلوگیری نمایند ولی در عین زمان آزادی بیان به شکل لجام گسیخته آن می تواند بر آزادی دیگران اثر داشته باشد. مقولۀ معروفیست که **" آزادی شما در سرحدی پایان می یابد که آزادی دیگران آغاز میشود "** بدین ترتیب حتی در پیشرفته ترین جوامع آزاد و دیموکراتیک حق آزادی بیان و عقیده مطلق نیست و محدودیت های دارد. این محدودیت ها شامل اعلانات نادرست و غلط، بیانات نفرت انگیز، اظهارات وقیحانه و زشت، تحریک بغاوت و شورش، افشای اسرار دولت و بدگوئی و تهمت است.

حفظ توازن بین حق آزادی بیان از یک طرف و ضرورت امنیت ملی، گفتار و سایر آثار شایسته و با مورد، حقیقت گوئی و حسن نیت از جانب دیگر، بسیاری اوقات متناقض واقع می شود مخصوصاً در نظام های مترقی حقوقی. از همان آغازی که مفکورۀ آزادی بیان و عقیده تحت غور گرفته شد، این درک هم بوجود آمد که این حق معروض به محدودیت ها و استثنائات است. اندکی بعد از آنکه تضمیناتی در مورد حق آزادی بیان و عقیده در قانون اساسی فرانسه و ایالات متحده داده شد، محدودیت ها هم بر این آزادی بلا درنگ نافذ گردید. بدین ترتیب در فرانسه آنانی که بر ضد انقلاب سخن می زدند مورد تهدید و تعجیز قرار می گرفتند، زندانی می شدند و حتی اعدام می گردیدند. در حالیکه در ایالات متحده لایحه ای در مورد فتنه جوئی و آشوب گری در سال ۱۷۹۸ به تصویب رسید که در آن نشر و نوشتن دروغ، افتضاح آمیز، و بدخواهانه علیه حکومت و یا مأمورین جرم تشخیص گردید.

هیچ کشوری در جهان آزادی مطلق بیان و عقیده را به اتباع و باشندگانش اعطا نمی کند و اگر چنین آزادی بدون حد و حصر را اعطا کند باشندگانش را در مقابل بدگوئی و تهمت حفاظت کرده نمی تواند و کشور قادر نخواهد بود اسرار حیاتی را حفاظت نماید. بناءً بعضی اوقات چنین محدودیت های ضروری است.

#### مواردی که محدودیت ها شامل آن میشود از این قرار است:

- تشهیر (بدگوئی، تهمت و افتراء) تهمت زدن، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛
- بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛
- دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه؛
- بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی؛
- تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایب)، علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي؛
- افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه؛
- دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛
- "جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛
- بیانات فتنه جویانه، خائنانه و تشویق دهشت افگنی؛
- آلودگی صدا؛
- کفر گوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیدۀ مذهبی یک شخص؛
- توزیع تبلیغات مذهبی در جایی که مجاز نیست؛
- وقاحت و بی حرمتی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛
- سخنرانی بدون اجازه در بعضی جای ها؛
- پوشیدن لباس های مذهبی و یا عبادت آشکار در بعضی از مکاتب عامه؛
- بیانات نژاد پرستانه، انکار از کشتار دسته جمعی یهودیان؛
- نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انترنیت.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

البته این محدودیت ها منحصر به موضوعات ذکر شده نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشور ها حتمی نیست. هر کشور و ملت نظر به ارزش های عقیدتی و مذهبی و فرهنگی و مطابق به قوانین و مقررات حاکمه، محدودیت هایی را بر آزادی بیان و عقیده وضع میکند.

در محدودیت هایی که از آن تذکر رفت، بیشتر معیارها در جوامع غربی مد نظر بوده است و حکم محدودیت هایی جهانی را ندارد. هستند موضوعاتی که ممکن در یک جامعه غربی در جمله محدودیت ها بر آزادی بیان و عقیده باشد، مثلاً انتقاد از همجنس بازی، ولی در بسیاری جوامع دیگر، مخصوصاً در جهان اسلام، نه تنها که انتقاد از چنین عملی مجاز دانسته می شود بلکه با آن طبق قوانین و ارزش های عقیدتی و فرهنگی همان جوامع برخورد می شود. لذا نمی توان این محدودیت ها را جهانی دانست و روی همین دلایل است که حق آزادی بیان و عقیده یک حق مطلق و بدون حد و حصر نیست. هر نویسنده، گوینده، هنرمند اعم از نقاش و موسیقی دان و یا هر هنر دیگری مکلف به تعمیم محدودیت ها و اطاعت از قوانینی می گردد که دولت متبوعه او وضع می کند.

از جمله محدودیت هایی که در بالا از آن یاد شد محدودیت ها بر وقاحت و زشتی و تهمت و بدگویی، گر چه با در نظر داشت تعریفی که از این دو محدودیت شده قابل بحث بوده است، عملاً همیشه بحیث محدودیت بر آزادی مطلق بیان، نافذ بوده است.

یکی دیگر از محدودیت هایی که در کشورهای اسلامی شدیداً تعقیب می شود انتقاد از اسلام است و براساس قانون کفرگویی و اهانت به اسلام مورد مجازات دانسته می شود. همچنان کوشش برای تغییر عقیده دادن یک فرد مسلمان به دین دیگری نیز در کشورهای اسلامی جرم پنداشته می شود. حتی در کشورهای غربی، جنبش های جدید مذهبی اکثراً با محدودیت هایی در زمینه تغییر عقیده مذهبی افراد مواجه می شوند و برخی اوقات در کوشش ها برای تغییر عقیده افراد به مجبور ساختن و تهدید نمودن افراد متهم می گردند و مجرم پنداشته می شوند.

هر یک از موارد محدودیت هایی که از آن یاد آوری گردید باعث بحث های اکادمیک و حقوقی گردیده و دانشمندان و طرفداران رفع چنین محدودیت ها استدلال های دارند همان طوری که اشخاص و مراجع مدافع وضع این محدودیت ها دلایلی برای تعمیم چنین محدودیت ها و جلوگیری از انجام گسیختگی در گفتار، کردار، نشرات و آثار علمی و هنری به منظور رعایت حق دیگران و احترام به مقدسات و ارزشهای فرهنگی دیگران، ارائه می دارند.

با نظر گذرایی بر سیر تحول حق آزادی بیان و عقیده از قرن هفده و هجده به اینطرف که این موضوع مورد بحث قرار گرفت و تضمیناتی هم در قوانین بعضی از کشورها و ملل متحد، همان طوری که تذکر رفت داده شد، درمی یابیم که این پدیده نیز مانند هر انکشاف مدنی دیگر نه تنها به مشکلات عمده و گسترده مواجه بوده بلکه در بسیاری موارد، حتی همین امروز که در قرن بیست و یکم قرار داریم، هنوز هم جوامع و مللی هستند که نه تنها مردم شانرا از این حق انفکاک نا پذیر محروم کرده اند، بلکه اگر روزنه ای هم برای قایل شدن به این حق موجود گردد آنها هم می بندند و مجال تفکر درین زمینه را نمی دهند که دیکتاتوری های سیاسی و مذهبی زیادی را می توان در شرق میانه، کشورهای افریقائی، جنوب و جنوب شرق آسیا نام برد.

اما آنچه که در بعضی از این کشورها دیده می شود نه تنها محدودیت هایی است که از طرف دولت ها و قوانین حاکم بر آن جوامع وضع می گردد، بلکه خود سانسوری ها هم معضل دیگری است که دامنگیر این کشورهاست. این خود سانسوری ها هم ناشی از ترس و هراسی است که قدرتمندان بی مسؤولیت چنین جوامعی ایجاد کرده اند. انتقاد از یکی از این قدرتمندان، مثلاً جنگ سالاری در افغانستان، کفایت می کند که نویسنده و یا ناشر و نطق مورد تعجیز و تخویف قرار گیرد و بعضاً هم دیگر هرگز صدایش را کسی نشنود.

نمونه های زیادی را از این دست در ده سال گذشته که مطبوعات و رسانه ها در افغانستان رشد چشمگیری داشته و حق آزادی بیان در قوانین افغانستان تضمین گردیده، دیده و شنیده ایم و لت و کوب کردن و تجاوز برحقوق حد اقل چهل خبرنگار در سال جاری در افغانستان، طبق آمار اخیری که از طرف کمیته حمایت از ژورنالیستان نشر شد، یکی از اسناد درین زمینه است. ولی از جانب دیگر عدم آگاهی کارمندان از مفهوم واقعی آزادی بیان و حساسیت هایی که برخی نشرات و آثار در جوامع انکشاف نیافته ایجاد می کند، موجب آن می گردد که یک نوع بی پروائی به حقوق دیگران و بی احترامی به اعتقادات و مقدسات و ارزش های فرهنگی جامعه صورت بگیرد. برای جلوگیری از چنین حالتی در جوامعی مثل افغانستان که گام های نخستین را در مسیر طولانی و زمانگیر تشکیل یک جامعه دیموکراتیک و قانونمند بر میدارد، لازم است آزادی بیان در نصاب تعلیمی کورس های آموزشی

ژورنالیستان و پوهنتون های افغانستان گنجاینده شود تا ژورنالیست ها مجهز به اطلاعات لازمه جوانب حقوقی آزادی بیان باشند و در رهنمائی و آگاهی دادن به منظور ایجاد یک جامعه بیدار، دیموکراتیک و قانونمند نقش متبازر شان را ایفا کرده بتوانند.

با نظر کوتاهی به نشرات بیرون مرزی افغان ها، مخصوصاً نشرات تلویزیونی، می توان گفت که تعدادی از برنامه داران این دستگاه ها هم متأسفانه با استفاده از تعبیر و مفهومی که خود آنها از آزادی بیان دارند، بدون در نظر داشت ارزش های مذهبی، فرهنگی و اعتقادی افغان های مقیم خارج و افغان های داخل افغانستان، اظهارات و نشراتی دارند که بی احترامی مستقیم به مقدسات، ارزش های اخلاقی و فرهنگی و تجاوز و تخلف بر حقوق دیگران تلقی شده می تواند.

البته این موضوع بحث جداگانه ایرا بشمول دست اندرکاران این دستگاه های نشراتی افغانی و گردانندگان برنامه ها و دانشمندان و جامعه شناسان افغان ایجاب می کند تا هر دستگاه نشراتی و برنامه ساز حدود حقوق خود و برنامه اش را مطابق به احکام قوانین و مقررات حاکمه و با در نظر داشت حساسیت های مذهبی و اخلاقی و فرهنگی درک کرده و رهنمای باشد برای آن عده ژورنالیستان و برنامه سازان داخل کشور که تازه درین راه پرخم و پیچ قدم بر می دارند و تجارب گردانندگان این دستگاه های نشراتی بیرون مرزی را ندارند.

پایان

---

د پانیو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ